«تفریح»، گمشده شهرهای ایران

علی یگانه‌نسب: «تفریح»، گمشده برنامه‌ریزی شهری در ایران است. شهرهایی که یا آن‌قدر جیب‌هایشان کوچک است که توان برنامه‌ریزی اساسی ندارند یا آن‌قدر چالش‌های اولیه بزرگ دارند که هزینه‌های جاری یا عمرانی و ترافیکی بیش از ایجاد فضا و برگزاری رویدادهای شهری اولویت دارند. شهروندان در خیلی از شهرهای ایران از یکنواختی و کسالت محیط‌های شهری گلایه می‌کنند و این انتقاد به مدیریت شهرها وارد است که توجه آنها صرفا خرج نگهداشت دارایی‌های گذشته می‌شود. با این حال رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی شهری ایجاد فضاهای فراغتی و تأمین تسهیلات تفریح، ورزش، آموزش و هنر برای عموم شهروندان را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و توسعه این فضاها را از عوامل لازم در اعتلای کیفیت محیط و زندگی شهری محسوب می‌کنند. یکی از این فضاها، شهربازی‌های بزرگ است و تمرکز برخی شهرهای بزرگ دنیا بر این موضوع به حدی بوده که خود این فضاها عاملی برای جذب گردشگر شده‌اند.

بسیاری از شهربازی‌ها در دل مناطق ویژه گردشگری که آمیزه‌ای از جذابیت‌های مختلف گردشگری، همچون فرهنگی، سرگرمی و امکانات ورزشی تفریحی است، قرار گرفته‌اند؛ مناطقی که نه‌تنها یک استراتژی برای جذب توریست و فراهم‌کردن فضای مطلوب‌تر برای ساکنان محلی است، بلکه می‌توانند برای تسهیل تجدید حیات شهری مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

چالش کرج با فضاهای کسالت‌آور

کرج یکی از کلان‌شهرهای ایران است که یکنواختی و کسالت وجه غالب فضاهای آن است. شهری که بسیاری از مردم بیشتر از آنکه در آن بیدار باشند خوابند و از سال‌ها پیش با یک توسعه ناموزون پذیرای سرریز جمعیت پایتخت شده است. در کلان‌شهرهایی مانند کرج ایمنی فضاهای محلی مورد سؤال جدی بوده و برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت شهروندان در مراحل اولیه قرار دارد. به این سبب پرداختن به ایجاد جاذبه گردشگری از طریق شهربازی‌های بزرگ امری غریب است.

مریم قهرمانی‌صارم، عضو شورای شهر کرج، با اشاره به این موضوع می‌گوید: مردم ۱۸ استان از کرج عبور می‌کنند و این شهر به عبارتی شاهراه ارتباطی کشور است. اما این جمعیت صرفا از کرج گذر می‌کنند چون جذابیتی برای ماندن آنها در شهر نیست. این موضوع در دوره چهارم شورا آسیب‌شناسی شد و تصمیم گرفتیم فضاهای تفرجگاهی شهر را افزایش دهیم. یکی از تحقیقات در این زمینه نشان داد که باد نامطلوب شرق به غرب در کرج غالب بوده و باد مطلوب شمال به جنوب به دلیل رشته‌کوه‌های البرز کمتر می‌وزد. برای همین حدود ۵۰۰ هکتار در دشت غربی کرج جنگل‌کاری و سعی شده باغستان‌های شهر حفظ شود.

او ادامه می‌دهد: هم‌جواری با پایتخت باعث مهاجرپذیری کرج و تهدید هویت این شهر شده است. به‌طور مثال در سالی که هستیم با توجه به اجاره‌بهای مسکن احتمالا سرریز مستأجرهای تهران به کرج را داریم و حدود ۱۰ درصد افزایش جمعیت را در این شهر شاهد هستیم؛ لذا کرج خوابگاه کسانی می‌شود که تهران محل کار آنهاست. بنابراین ایجاد فضای تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامه‌ریزی جدی دارد.

قهرمانی‌صارم می‌گوید: در تلاشیم تا فضاهای استاندارد برای زندگی مفرح ساکنان کرج مهیا کنیم. متأسفانه نظارت بر اسباب‌بازی پارک‌های محلی کمتر از گذشته شده و در این خصوص شهرداری باید اهتمام بیشتری داشته باشد. برای استانداردسازی این فضاها و ایجاد پارک‌های موضوعی بودجه اختصاص یافته است.

جاذبه‌هایی که گردشگران اصفهان نمی‌شناسند

با این حال نمونه‌های موفق نیز در ایران یافت می‌شود؛ شهرهایی که توانسته‌اند در کنار داشته‌های قبلی خود، فضاهای تفرجگاهی و گردشگرپذیر ایجاد کنند. عباس حاج‌رسولی‌ها، عضو شورای شهر اصفهان می‌گوید: سال‌های پیش در کلان‌شهر اصفهان تنها دو پارک اسباب‌بازی وجود داشت که پاسخ‌گوی نیازهای جمعیت اصفهان نبود و جا داشت با برند اصفهان شرایطی ایجاد کرد که همه را اقناع کند؛ از این‌رو شهرداری حدود ۱۰ سال پیش قراردادی را با یک شرکت چینی انعقاد کرد که در آن مقرر شد زمین آن را شهرداری اختصاص دهد و شرکت چینی نیز برای ایجاد یک شهربازی بزرگ، آن فضا را تجهیز کند. او اضافه می‌کند: این موضوع در قالب یک پروژه با چینی‌ها و به عنوان اولین پروژه به‌صورت مشارکتی آغاز شد. گفتنی است که این حرکت آغاز پروژه‌های مشارکتی بود و در گام بعدی آکواریوم نازوان نیز با پشتیبانی یک شرکت ترکیه‌ای اجرا شد یا برای ایجاد شهربازی آبی نیز در همان سال‌ها حمایت شد.

او با تأکید بر اینکه فضاهای سیاحتی و تفریحی اصفهان در دو سال گذشته به‌خاطر شیوع کرونا آسیب جدی دید، ادامه می‌دهد: همین امر باعث شده بود توسعه این فضاها متوقف شود؛ چون حتی هزینه جاری آنها نیز به دلیل محدودیت‌های کرونایی پاسخ داده نمی‌شد. اما با برگشتن شرایط به حالت گذشته چند برنامه در ذهن داریم که با مشارکت بخش خصوصی اجرا خواهیم کرد. حاج‌رسولی‌ها از ایجاد شبکه‌ای از اماکن تفریحی در اصفهان خبر داده و می‌گوید: در صفه و ناژوان امکانات خوبی ایجاد شده که باعث ماندگاری بیشتر گردشگران می‌شود. بولینگ، تله‌کابین و تله‌سیژ شهربازی اکنون در اختیار شهروندان و گردشگران است و در آینده توسعه پیدا خواهد کرد؛ به‌طور مثال خط دو تله‌کابین صفه با همراهی وزارت میراث فرهنگی به شاهدژ بالای صفه متصل می‌شود که یک جاذبه تفریحی جدید است.

حاج‌رسولی‌ها به دقت اداره استاندارد درخصوص اماکن تفریحی شهر اصفهان اشاره و اضافه می‌کند: اسباب‌بازی‌ها و اماکن تفریحی اصفهان مرتب نظارت شده و مجوزها به‌صورت مقطعی از اداره استاندارد اخذ می‌شود. بر اساس قرارداد ۱۰ساله، بخشی از هزینه بهره‌برداری از این اماکن به طرف چینی داده می‌شود.

این عضو شورا یکی از انتقادها به اماکن تفریحی اصفهان را در زمینه اطلاع‌رسانی دانست که همین امر باعث می‌شود اغلب گردشگران به بازدید از فضاهای تاریخی اصفهان بسنده کنند. او می‌افزاید: سعی شد این ضعف در نوروز ۱۴۰۱ با راه‌اندازی یک اپلیکیشن تا حدی جواب داده شود. گردشگران به‌راحتی می‌توانستند مراکز تفریحی و اقامتی را پیدا کنند که همین اقدام باعث افزایش استفاده گردشگران از اماکن تفریحی در نوروز امسال شده بود و اگر این فرایند ادامه داشته باشد، با افزایش رفت‌وآمد گردشگران می‌توان رونق بیشتری را در این نقاط از شهر شاهد بود.

گذر از روزهای تلخ شورابیل

حبیب فتحی عضو شورای شهر اردبیل نیز از یک تجربه موفق دیگر می‌گوید که این‌بار در شمال غرب ایران اتفاق افتاده است؛ تبدیل منطقه گردشگری شورابیل به نقطه تفریحی شهر اردبیل. او در این خصوص ادامه می‌دهد: دریاچه‌ای به قطر حدود هفت‌ونیم کیلومتر و به‌طور کاملا طبیعی در شورابیل قرار گرفته که از چند سال پیش ورودی خودرو از آن حذف شده است. رینگ دوچرخه‌سواری، پارک‌های موضوعی و فضاهایی برای برگزاری رویدادها در این منطقه ایجاد شده است.

او با اشاره به شهربازی بزرگ شورابیل ادامه می‌دهد: تأکید شورای شهر استفاده از وسایل به‌روز بوده و با کسانی که از وسایل فرسوده استفاده می‌کنند، ابتدا تذکر دادیم و سپس برخورد قانونی کردیم. بعید می‌دانم شهربازی در شهرهای هم‌تراز اردبیل با این کیفیت و وسعت وجود داشته باشد. به این سبب تلاش کرده‌ایم از این فضا به بهترین شکل برای جذب گردشگر استفاده کنیم. از ابتدای بهار تا مهرماه اوج حضور گردشگران در منطقه است و در فصل سرد سال نیز رویدادها و جشنواره‌های زمستانی همخوان با کاربری شورابیل برگزار می‌شود. همه چیز شورابیل به کیفیت امروزی آن برنمی‌گردد و خاطرات تلخ دهه ۹۰، دو حادثه‌ای که در شهربازی رخ داد، هنوز از ذهن مردم اردبیل پاک نشده است. شکسته‌شدن دستگاه رنجر در این مجتمع، در سال ۹۱ یک کشته و پنج مجروح و در سال ۹۳ نیز یک کشته و سه مجروح به‌جا گذاشت. فتحی در این خصوص می‌گوید: این خاطرات تلخ را همه به یاد داریم اما اکنون با تأکید شورا تا استاندارد لازم اخذ نشود، اجازه بهره‌برداری را نمی‌دهیم. به‌طور مثال زیپ‌لاین شورابیل در سال اول استاندارد لازم را داشت اما در سال دوم چون نتوانست مجوز قانونی را کسب کند، هنوز اجازه فعالیت پیدا نکرده است.

او اضافه می‌کند: در این خصوص تعارفی با سرمایه‌گذار نداریم. در واقع ما می‌توانستیم روی این موضوع چشم بپوشیم و کسب درآمد کنیم اما زیپ‌لاین به دلیل ایمن‌نبودن از سه ماه پیش تعطیل شده و عملیات استانداردسازی آن در حال انجام است. او می‌گوید: پنج منطقه در اردبیل وجود دارد که شورابیل متفاوت از آنها نبوده و سعی کرده‌ایم توجه و اعتبارات اختصاص‌یافته به آن در شأن مردم و گردشگران باشد. جلوی مجوزهای ساخت‌وساز که به مرحله اجرا نرسیده بود، گرفته شده تا آینده شورابیل دچار چالش نشود که همین موضوع یعنی چشم‌پوشی شهرداری از درآمدهای زائد ناشی از ساخت‌وساز باعث شد بخشی از طرح‌های شورابیل به مرحله اجرا نرسد. وضعیت اقتصادی شهرداری چندان مناسب نیست و در این خصوص دنبال سرمایه‌گذارانی هستیم که بتوانند برای توسعه شهربازی کمک کنند.

شاید پیش‌بینی مناطق گردشگری در کلان‌شهرها بتواند بستری برای توسعه فضاهای تفریحی و در نتیجه آن جذب بالای گردشگر باشد. به این سبب مدیریت شهری در کشور می‌تواند در راستای تحقق درآمدهای پایدار، نگاهی جدی به این حوزه داشته باشد.

یادآوری وعده تاریخی مدیران شهری به تهرانی‌ها

پایتخت بدون شهربازی

نورا حسینی: روزگاری نه‌چندان دور، شهربازی‌رفتن لذت دیگری داشت؛ تفریح جذاب تابستانی خانواده‌ها بود و حتی بسیاری از خانواده‌هایی که به تهران سفر می‌کردند، یک بار سری به شهربازی می‌زدند. روزگاری با شب‌های روشن که در آن خبری از جعبه جادو و گوشی موبایل نبود و در پایتخت، آخر هفته‌ها، به مال‌گردی اختصاص داده نمی‌شد... . آن سال‌ها، سروشکل زیست شهری خیلی ساده‌تر از حالا بود؛ اما یک خانواده سه، چهار، پنج‌نفره را می‌شد در لوناپارک و مینی‌سیتی دید که با چرخ‌وفلک رؤیا، کودکی و هیجان را روی آسمان جست‌وجو می‌کنند. شکل امروز تفریحات خانوادگی غیرمجازی، مدرن‌تر و به همان نسبت گران‌تر شده و شهربازی‌های شهر بزرگ نقشه ایران، شکل و نفس و رمق گذشته را ندارند و دیگر از طبقه متوسط هم خبری نیست. طبقه‌ای که در دهه‌های ۵۰ تا ۷۰، عمده مشتری تفریحات سالم نه‌چندان پرهزینه در شهری بود که رؤیای توسعه می‌دید. حالا جز صدای ماشین نمی‌شود چیزی شنید و از صدای هیجان و خنده معصومانه بچه‌ها در شهربازی و فانفار و پارک ارم، یا خبری نیست یا جلوه دیروز را ندارد. تهران، سال‌هاست دیگر شهربازی ندارد و مکان‌های تفریحی سربسته پاساژها و مال‌ها، آن کارکرد جمعی و خانوادگی خاطره‌انگیز را ندارند و نسلی که شاید بسیاری از ابزار مدرن را برای تفریح و سرگرمی تجربه کرده باشند، اما لذت شهربازی‌ها را نچشیده‌اند.

شهربازی قربانی توسعه بزرگراه‌ها

۱۵ سال است از کوچ وسایل غول‌پیکر شهربازی قدیم تهران در بزرگراه چمران می‌گذرد. شهردار وقت تهران آن زمان قول داد شهربازی مدرنی در شهر آفتاب احداث کند تا پایتخت‌نشینان جای خالی شهربازی قدیمی را احساس نکنند و مشکلات ترافیکی این بزرگراه هم حل شود و تهرانی‌ها هم لذت چمران خلوت را احساس کنند و هم شهربازی مدرن‌تری نصیب‌شان شود؛ اما تهرانی‌ها حالا پشت ترافیک بزرگراه چمران خاطره شهربازی ازدست‌رفته‌شان را زنده می‌کنند.

شهربازی چمران را به بهانه احداث یک پل روگذر خالی کردند تا شبکه بزرگراهی شهر تهران که از دهه ۵۰ معطل مانده بود، تکمیل شود. زمزمه‌های تخریب این شهربازی از سال ۸۲ به گوش رسید تا سال ۸۳ که محمدی‌زاده، معاون خدمات شهری شهردار وقت، خبر خداحافظی شهربازی با تهرانی‌ها را داد.

قالیباف شهردار تازه‌وارد آن سال‌ها هم راه‌حل بازشدن گره ترافیکی این بزرگراه را رفتن شهربازی از این منطقه تشخیص داد و در نهایت در ۲۱ فروردین سال ۸۵ موافقت اصولی بنیاد شهید انقلاب اسلامی و معاونت فنی شهرداری تهران به دست آمد و شهرداری در ازای دریافت سند مالکیت شهربازی مبلغ ۲۳ میلیارد تومان پرداخت.

قالیباف همان سال‌ها به تهرانی‌ها وعده داد شهربازی مدرن‌تر و به‌روزتری را در شهر آفتاب احداث خواهد کرد. قطار بزرگ، سفینه، منوریل، آبشار آبی، ارابه، اسب پرنده، تاب بچه، چرخ عصار، سینما سه‌بعدی، توفان، کاترپیلار، آبشار، آکروجت، افلاک‌نما، ترن‌هوایی، کشتی سبا، ماشین‌برقی، قالیچه پرنده، رودخانه وحشی، سورتمه، چرخ‌وفلک، رولر کاستر، گردش فضایی، رنجر و اختاپوس ۲۵ وسیله بازی بودند که مدیران شهری آن سال‌ها وعده دادند تهرانی‌ها در شهربازی جدیدشان با آن هیجان خود را تخلیه خواهند کرد؛ اما با گذشت سال‌ها هنوز این وعده مدیران شهری محقق نشده است و به نظر نمی‌رسد تصمیم‌گیران تهران با دخل خالی و نیازهای فوری که در حوزه‌های حیاتی مانند حمل‌ونقل عمومی دارند، دغدغه ساخت شهربازی بزرگی مانند گذشته را داشته باشند.

به خاطر نبود شهربازی مدرن و بزرگ در کشورمان شاید بسیاری تصورشان از شهربازی مکانی صرفا برای کودکان، نوجوانان و حداکثر جوانان باشد؛ اما این تصویر نادرست تنها در ذهن مردم کشور ما شکل گرفته است، در شهرهای مختلف دنیا شهربازی‌های عظیمی وجود دارد که از همه اقشار جامعه و سنین مختلف طرفدار دارند. شهربازی‌های بزرگ دنیا حتی به‌عنوان مکانی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی مطرح هستند.

دیزنی‌لند در ایالت کالیفرنیا آمریکا را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین و پرطرفدارترین شهربازی‌های جهان دانست که از سال ۱۹۵۵ کار خود را آغاز کرده و تاکنون بیش از ۶۰۰ میلیون بازدیدکننده داشته است.

پارک اروپا نیز یکی از شهربازی‌های بزرگ و مطرح دنیاست که در شهر روست آلمان است و با وجود اینکه جمعیت این شهر به زحمت به مرز پنج هزار نفر می‌رسد، این پارک باعث شده خیلی‌ها از نقاط مختلف آلمان و سایر کشورهای اروپایی به این شهر سفر کنند تا اوج هیجان را از نزدیک تجربه کنند.

دیزنی‌لند توکیو از دیگر شهربازی‌های بزرگ در دنیاست که در زمینی به مساحت ۱۱۵ هکتار احداث شده و در ساخت این شهربازی، اصول معماری ژاپنی هم حفظ شده و سازندگان آن هم تلاش کردند بسیاری از سنت‌ها را در آن حفظ کنند.

تعداد شهربازی‌های روباز و سرپوشیده بزرگ روزبه‌روز در شهرهای مختلف جهان افزایش می‌یابد تا مراکزی برای سرگرمی، هیجان و سرگرمی شهروند ایجاد شود. اما ایران در این زمینه عقب‌ماندگی‌های جدی و اساسی دارد. حتی در پایتخت نیز با وجود اینکه مقرر بود شهربازی هزارویک شهر به‌عنوان بزرگ‌ترین شهربازی غرب آسیا احداث شود، سال‌هاست این پروژه هم متوقف شده است.

کمبود فضای تفریحی در پایتخت

کمبود فضای تفریحی در پایتخت مورد تأیید همه است؛ با وجود آن هنوز تهرانی‌ها از داشتن یک شهربازی استاندارد محروم هستند. زمانی قرار بود استانداری تهران چهار مرکز تفریحی بزرگ برای تهران بسازد اما با رفتن دولت‌ها و تغییر مدیران، این وعده‌ها هم به بایگانی رفت.

مهدی شریفی، شهرساز معتقد است شهربازی خوب و فضای تفریحی مناسبی برای کودکان و البته بزرگسالان نداریم و شهربازی‌های موجود نیز از استانداردهای لازم برخوردار نیست و هرازگاهی هم خبرهایی مبنی بر مرگ هم‌وطنان در اوج شادی می‌شنویم. سرمایه‌گذاران هم علاقه چندانی ندارند که بر روی شهربازی‌ها سرمایه‌گذاری کنند. این در حالی است که جای خالی شهربازی در شهرهای بزرگ بسیار به چشم می‌آید.

به گفته او، پایتخت‌نشینان اکثرا زمان فراغت خود را در خیابان‌گردی، پارک‌نشینی و رستوران‌ها می‌گذرانند و با وجود ساخت چندین هزار مترمربع فضای فرهنگی و ورزشی در تهران طی سال‌های اخیر، هنوز تهران برای تفریح و سرگرمی شهروندانش حرفی برای گفتن ندارد. در بسیاری از شهرهای دنیا مراکز تفریحی آن‌قدر گسترده و متنوع هستند که برای هر شهروند با هر نوع سلیقه، خصوصیت رفتاری و از هر گروه سنی گزینه‌های تفریحی بسیار زیادی وجود دارد. شهربازی‌های بزرگ، پارک‌های آبی، آکواریوم، جنگل‌های مصنوعی، باغ‌وحش و... از ابتدایی‌ترین مراکز تفریحی شهرهای مختلف دنیا محسوب می‌شود اما مردم ایران حتی پایتخت نیز از چنین امکاناتی محروم هستند.

تهران به‌شدت از فقر شهربازی رنج می‌برد

کارشناسان شهری می‌گویند شهر تهران به‌شدت از فقر شهربازی رنج می‌برد و پایتخت تنها یک شهربازی با تجهیزات قدیمی دارد. به گفته کارشناسان شهری، در دنیا مسئولیت ساخت مکان‌های تفریحی مانند شهربازی‌ها بر عهده دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) است؛ با این تفاوت که در این شهرها، مدیریت واحد شهری سال‌هاست اجرائی شده و مسئولیت ساخت شهربازی همراه با اعتبار مورد نیاز به شهرداری‌ها واگذار شده است.

به اعتقاد برخی از کارشناسان شهری، با وجود نیاز تهران به مراکز تفریحی مانند شهربازی در سال‌های گذشته، احداث این نوع مراکز صرفا بر اساس جهت‌گیری‌های فردی شتاب گرفته یا متوقف شده است. این در حالی است که ایجاد این نوع مراکز از نیازهای اصلی شهروندان تهرانی است؛ شهروندانی که وقت زیادی را در ترافیک و آلودگی هوا سپری می‌کنند نیاز به ایجاد فضاهای تفریحی و فضای شهری با نشاط‌تری دارند.

برخی کمبود فضاهای تفریحی در شهر تهران را حاصل تمرکز بیش از حد مدیریت شهری تهران بر تشویق سرمایه‌گذاران به احداث انواع برج‌های ساختمانی و مجتمع‌های تجاری می‌دانند که در عمل باعث شده فرصتی برای فکرکردن و برنامه‌ریزی نسبت به نیازهای تفریحی و گردشگری پایتخت برای مدیران به وجود نیاید. آنها امیدوار و معتقدند نباید منابع مالی اصلی تهران به‌طور مستقیم صرف این نوع پروژه‌ها که به دلیل سودآوری بخش خصوصی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در آن است، شود. شهرداری تهران برای احداث مراکز تفریحی و گردشگری می‌تواند از محل واگذاری زمین‌های ذخیره و تخفیف بر عوارض پروانه سرمایه‌گذار جذب کند.

درک خانواده‌های ما از تفریح چیست؟

محمدمهدی عابدی، طراح شهری، درخصوص اینکه چرا شهربازی‌های جدید در ایران ساخته نمی‌شود، می‌گوید: فضاهای شهری ما تبلور عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند. ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم نبود فضایی مانند شهربازی در کلان‌شهرهای ما فقط یک یا دو دلیل داشته باشد. شاید برای پاسخ به این سؤال بهتر باشد ابتدا به این پرسش پاسخ بدهیم که اصلا یک خانواده ایرانی در سبد خانوارش برای تفریح هزینه می‌کند یا اصلا درک خانواده‌های ما از تفریح چیست؟

او ادامه می‌دهد: ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم؛ گذار از جامعه سنتی درون‌گرا به سمت جامعه مدرن برون‌گرا. تفریح شهربازی جزء نمونه تفریحات مدرن است. بعد از پیشرفت تکنولوژی در جوامع صنعتی پدید آمده. با این تفاسیر شهربازی در کشور ما نمونه تفریحی متفاوت و مدرن و جدید است. از طرف دیگر مطالبه شهروندی نیز برای احداث شهربازی در کشور ما وجود ندارد.

این کارشناس حوزه شهرسازی درخصوص اینکه آیا عدم استقبال مردم از شهربازی‌ها، دولت‌ها را برای ساخت شهربازی بی‌رغبت کرده است هم توضیح می‌دهد: ما در کشورمان مال‌های متعدد داریم. روزبه‌روز هم ساخته می‌شوند. مثل همین کوروش‌مال در تهران. این نمونه مدرنیته در غرب است و در ایران مشتری دارد. کیفیت بالای مال‌های ایران حتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز برابری می‌کند، اما ما این مسئله را درباره شهربازی‌ها نمی‌بینیم.

او درباره عدم استقبال از شهربازی و اینکه نمونه‌های خوبی در کشور در این رابطه نداریم، می‌گوید: ما حتی نمونه‌های شهربازی هم در کشور داشتیم که جمع شدند و دیگر هیچ‌وقت از نو تأسیس نشدند. علت اصلی آن این است که مطالبه مردمی در این زمینه وجود ندارد و مقاومت مدنی برای آن صورت نگرفت. من چندی پیش یک مقاله درخصوص نحوه گذراندن اوقات فراغت در تهران می‌خواندم که در نظرسنجی‌های مقاله به‌ندرت به کمبود فضایی مانند پارک ارم اشاره شده بود.

این مسئله شاید به این برگردد که ذهنیت جامعه ایرانی آنچنان که باید با شهربازی سازگار نیست؛ چون آن را ندیده، هیچ‌وقت هم آن را طلب نمی‌کند. این مسئله فقط به شهربازی هم ختم نمی‌شود؛ مثلا ما در ایران حتی یک میدان شهری هم نداریم که در آن رویداد برگزار شود؛ میدانی مانند تکسیم استانبول.

عابدی درخصوص نقاط مطلوب برای احداث شهربازی نیز می‌گوید: گفته شده که شهربازی‌ها به دلیل سروصدا کنار مکان‌های مسکونی و بیمارستان قرار نگیرند. از طرف دیگر شهربازی باید دسترس‌پذیر باشد، در مسیرهای پرترافیک نباشد و دسترسی به وسایل نقلیه عمومی داشته باشد. مسائل اقتصادی آن هم باید مدنظر قرار گیرد. در تهران فعلا جانمایی شهربازی در خارج از تهران بهتر جواب می‌دهد.

نقش تحریم‌ها در احداث‌نشدن شهربازی تهران

علی‌محمد سعادتی، شهردار سابق منطقه ۱۲، به موضوع حذف تفریح از سبد خانواده‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: تحریم‌های این سال‌ها نیز در عدم احداث شهربازی در تهران نقش داشته‌اند. به طور مثال فضای چندهکتاری در بوستان زندگی برای ساخت چرخ‌وفلکی بزرگ با یک مجموعه در نظر گرفته شده بود و تفاهم‌نامه‌ای نیز به امضا رسید ولی مصادف شد با تشدید تحریم‌ها. با وجود آنکه برخی از اقلام خریداری شده بود اما موضوع اصلی تعمیر، نگهداری و بیمه این تجهیزات است و سرمایه‌گذاری در این حوزه بلندمدت است و تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی عملا این اجازه را برای احداث این بخش در بوستان زندگی به ما نداد.

او به ایجاد شهربازی‌های کوچک با تجهیزات معمولی اشاره می‌کند که معمولا شرکت‌های بازرگانی واردکننده این تجهیزات، خودشان پشتیبانی فنی را هم انجام می‌دهند. از کشورهای واسطه تجهیزات دست‌دوم وارد کرده یا به دلیل تعاملاتی که با چین داریم تجهیزات چینی را خریداری می‌کنند، اما برای خرید وسایل تفریحی و سرگرمی سنگین که صنایع های‌تک هستند دچار محدودیت بودیم؛ زیرا در این حوزه که ایمنی و جان هزاران نفر مطرح است، حتما به خدمات پشتیبانی از سوی شرکت فروشنده نیاز است که هرگاه سایه تحریم‌ها سنگین‌تر می‌شد، این شرکت‌ها از سرمایه‌گذاری و همکاری عقب‌نشینی می‌کردند؛ زیرا در این حوزه چشم‌انداز تعاملات دست‌کم ۲۰ تا ۳۰ساله است.

سعادتی ادامه می‌دهد: به تدریج جامعه شهروندی ما هم که سال‌ها از داشتن شهربازی محروم بود آن را از سبد تفریحات خود حذف کرد و از نظر ذهنی نیز از ذهن خانواده‌ها داشتن شهربازی مانند شهربازی سئول و ارم پاک شد. ما که تجربه رفتن به این شهربازی‌ها را داریم متوجه نبود آن هستیم اما نسل جدید تجربه‌ای از این نوع شهربازی‌ها ندارد.

او وقوع حوادث در شهربازی‌های فرسوده کنونی را نیز یکی از دلایل دیگر بی‌رغبتی خانواده‌ها به حضور در این نوع شهربازی‌ها عنوان می‌کند، همچنین توسعه بازی‌های مجازی و کامپیوتری در سال‌های اخیر را جایگزینی برای جبران نبود شهربازی‌های حقیقی می‌داند و می‌گوید: نسل جدید عمده وقت خود را با بازی‌های کامپیوتری و شبکه‌ای در تلفن همراه و لپ‌تاپ می‌گذراند و شاید یکی از عوامل اینکه این نسل مطالبه شهربازی ندارد همین موضوع است.

سعادتی نبود ظرفیت داخلی تولید ابزار سرگرمی در کشور، محدودیت ورود تجهیزات و سرمایه‌گذار در این حوزه و بازی‌های کامپیوتری را که جایگزین تفریحات واقعی و فیزیکی شهری شده‌اند، سه دلیلی می‌داند که دیگر شهربازی‌ها مانند گذشته در کشور ایجاد نشدند. او شهربازی‌های کوچکی را که در پاساژها و مال‌ها ایجاد شده، نه به هدف اصلی سرگرمی بلکه به عنوان بسته مکمل اقتصادی این پاساژها می‌داند که ایجاد شده‌اند تا کودکان در آن سرگرم شوند تا پدر و مادرها با فراغ‌بال بیشتری خرید کنند و نیت اصلی فروش بیشتر است نه نگاه تفریحی.

احداث شهربازی نیازمند یک همت در سطوح بالا

اما مدیران جدید شهر تهران درخصوص فقر شهربازی چه می‌گویند؟ علیرضا نادعلی سخنگوی شورای شهر تهران می‌گوید: در جلسات و نشست‌هایی که با بعضی از دوستان مدیر در شهرداری تهران داشتیم، بارها دیده‌ام به احداث شهربازی فکر می‌کنند. آنها چنین تفکری دارند و این دغدغه با آنهاست. ازجمله سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران این موضوع را دنبال می‌کند. مسئولان شهر آفتاب نیز به دنبال ایجاد چنین فضایی در این مجموعه هستند. اما به نظر می‌آید برای تحقق آن نیاز به یک همت و خواست سطح بالاتری داریم و شهردار تهران این موضوع برایش دغدغه شود و مطالبه اعضای شورای شهر تهران نیز می‌تواند مؤثر باشد؛ به‌ویژه کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران.

وی ادامه می‌دهد: احداث یک شهربازی در تهران نیاز به سرمایه‌گذار دارد و از آن مواردی است که به‌راحتی هزینه‌ای که برای آن صرف می‌شود بازمی‌گردد و هم سرمایه‌گذار خصوصی از آن استقبال می‌کند و هم نهادهای عمومی. می‌تواند با دستگاه‌های صاحب سرمایه این اتفاق بیفتد و شهرداری تهران با او شراکت کند یا با سرمایه‌گذار بخش خصوصی و دوباره یک اتفاق گلخانه‌ای در گوشه تهران رخ ندهد و مجموعه‌ای در شأن پایتخت جمهوری اسلامی به عنوان یک شهربازی ایمن با سطح استاندارد بالا تشکیل شود و به‌ویژه جهات فرهنگی آن هم متفاوت با مکان‌هایی باشد که در حال حاضر وجود دارد. ایجاد چنین شهربازی‌ای می‌تواند تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری در تهران شود.

کارشناسان عقیده دارند با توجه به رشد جمعیت تهران، توسعه پایتخت و حضور نسل نو و به‌ویژه لزوم توجه به تفریح جمعی و خانوادگی در فضاهای باز شهری، نیاز تهران به یک شهربازی مدرن ضروری‌تر از همیشه است؛ ضمن آنکه احداث یک شهربازی مدرن می‌تواند در بعد جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد، چنان‌که امروز احداث یک برج مخابراتی مدرن در اندازه‌های جهانی (مثل برج میلاد) به یکی از وجوه توریستی و جذاب پایتخت ایران بدل شده است.

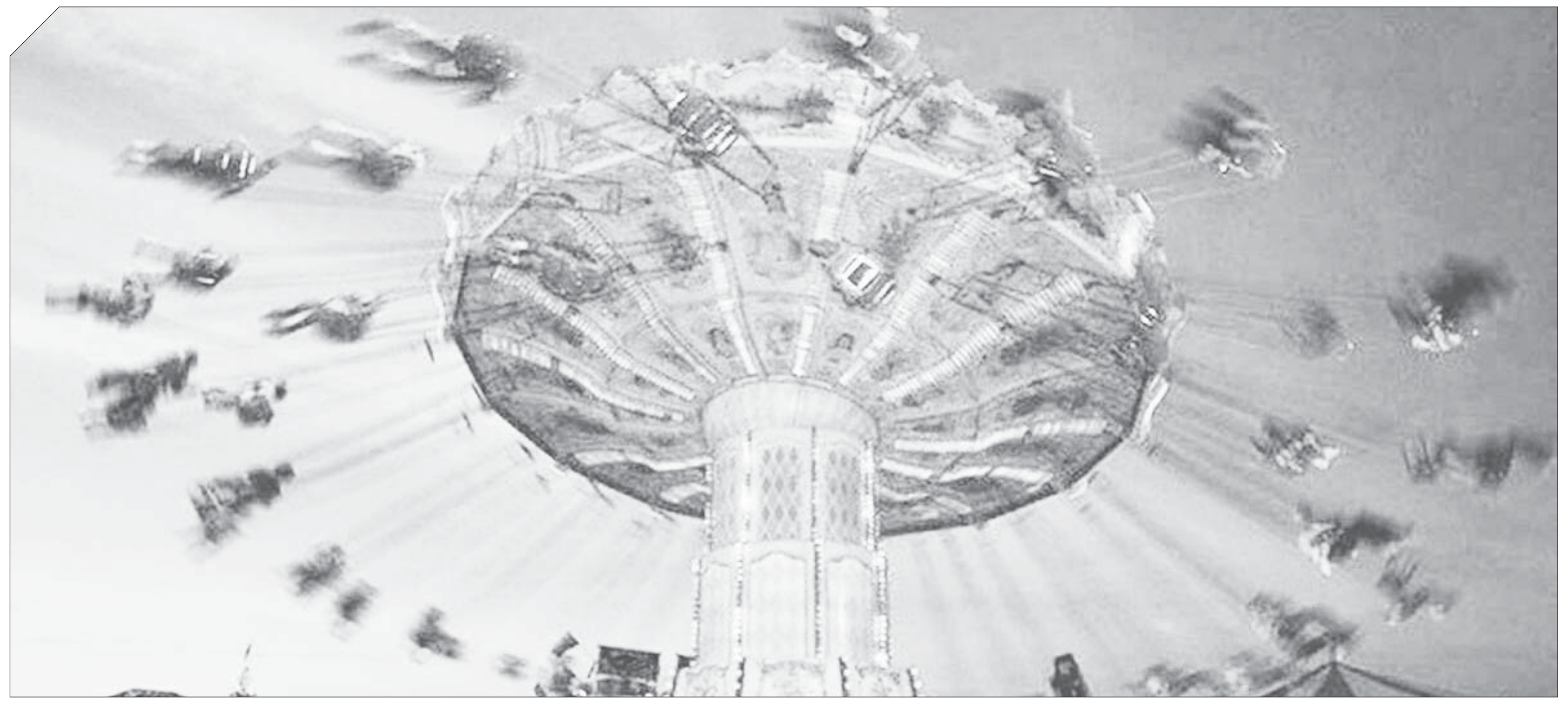

یادداشت

تهران، توسعه و شهربازی‌ها

علیرضا زمانی
تهران‌شناس

اگر بخواهیم به کمی عقب‌تر از احداث شهربازی‌ها در تهران برگردیم، باید به فضاهایی که به نام پارک ساخته شده و بیشتر املاک شخصی بوده، اشاره کنیم. از کنار پارک امین‌الدوله در دوره قاجار عبور می‌کنیم و کمی بعدتر از آن، به باغ ملی می‌رسیم. اولین پارکی که در تهران ساخته شد و بعد از مدتی، با تغییر سیاست‌های دولت وقت پهلوی، تصمیم می‌گیرند بعضی از ساختمان‌های دولتی (مثل وزارت امور خارجه) در آنجا مستقر شود و به تبع آن، هویت اولین پارک تهران از بین می‌رود. اما اولین پارک عمومی تهران که تا امروز هم باقی مانده، پارک شهر بوده که در سال ۱۳۲۹ در خرابه‌های محله سنگلج افتتاح می‌شود و اولین دستگاه‌های بازی مانند الاکلنگ، تاب، سرسره و بعدها وسایل آکروبات، تیراندازی و... در گوشه‌ای از پارک شهر قرار می‌گیرد که به‌نوعی در آن زمان، پایه‌گذار حرکتی جدید بود اما مختصات شهربازی به معنای امروزی نداشت.

یک دهه پس از آن، در محله امیریه تهران که در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم از محلات خیلی خوب تهران بود و اعیان، رجال و نظامیان درجه‌یک در آن زندگی می‌کردند، فضای نه‌چندان بزرگی به نام اتوبان کودک راه‌اندازی می‌شود و در آن، قطاری با چند واگن، ماشین‌برقی، یک چرخ‌وفلک کوچک، یک حوض با چند قایق کوچک و... قرار می‌گیرد که خاطرات فعالیت این مکان در خاطرات اهالی قدیم تهران در کتاب محلات امیریه و منیریه نقل شده است. فضایی که البته به توسعه نرسید و تا چند سال پیش، بقایای آن [واقع در بالاتر از مهدیه تهران امروزی] وجود داشت و دیوار ممتد و سیم‌خاردارهای آن خودنمایی می‌کرد که سال ۹۷ از سوی شهرداری منطقه ۱۱ خریداری شد.

اما از دهه ۳۰، با توسعه شهر تهران، روستاهای قدیمی شمیران و ونک به محلات شهر تهران تبدیل می‌شوند و با گسترش جغرافیایی بر اساس نیاز آن زمان جامعه‌ای که به سمت توسعه حرکت می‌کند، ملزومات توسعه هم به چشم می‌آیند. در این حال‌وهوا، مجموعه‌ای به نام فانفار در جنوب میدان ونک توسط محمد اخلاقی راه‌اندازی شد که تا دهه ۶۰ فعال بود. یک شهربازی مدرن با دستگاه‌های متنوع و به‌روز (ازجمله چرخ‌وفلک بزرگ، ترن‌هوایی، ماشین‌بازی و...) که ورودی گران‌تری هم داشت و مشتریانش، خانواده‌هایی بودند که به دلیل برخورداری از وضع اقتصادی و اجتماعی مطلوب‌تر به سمت میدان ونک کوچ کرده بودند.

در ادامه و در اواخر ۴۰، در مقطعی که محدوده اوین، زمین‌ها به ساخت‌وساز مکان‌های عمومی، تأسیسات تفریحی، فضای سبز و... اختصاص داده شد و رادیو و تلویزیون ملی ایران (صداوسیما)، هتل هیلتون و هایت (هتل استقلال و آزادی)، نمایشگاه بین‌المللی تهران و نیز بزرگراه ونک و شاهنشاهی (چمران و مدرس) در آن منطقه احداث شد، بخشی از زمین‌های نمایشگاهی از سوی علینقی عالیخانی، وزیر وقت اقتصاد و از مسئولان پروژه بازسازی و توسعه شهری، به ماشاءالله پدرثانی که قبل‌تر اولین آموزشگاه رانندگی تهران را راه‌اندازی کرده بود، اجاره داده شد تا شهربازی تهران را زیرمجموعه شرکتی به نام لوناپارک احداث کند. فضایی وسیع‌تر از فانفار با تجهیزات جدیدتر و مکان‌های تفریحی متنوع‌تر که به‌ویژه به‌خاطر قطار و تونل وحشت آن و وسایل هیجان‌انگیزترش عصرها تا شب‌های هر روز (به‌جز فصل زمستان) پر از مخاطب بود و تا سال‌ها در خاطر مردم تهران از نسل‌های مختلف باقی ماند؛ فارغ از آنکه معضل پارکینگ و مزاحمت‌های محلی آن وجود داشت... . مالکیت این شهربازی بعد از پیروزی انقلاب به بنیاد شهید می‌رسد که اواسط دهه ۸۰ جهت تکمیل پروژه بزرگراه‌های شهر تهران با رقم حدود ۳۰ میلیارد تومان به شهرداری تهران فروخته می‌شود و در پی آن شهردار تهران وعده احداث یک مجموعه تفریحی جایگزین را در شهر آفتاب به مردم می‌دهد که عملا این اتفاق نمی‌افتد.

اوایل دهه ۵۰، رحیم‌علی خرم از سرمایه‌دارها و مقاطعه‌کارهای معروف در کارهای عمرانی که مناسباتی با دربار داشت، پارک خرم (پارک ارم) را زیرمجموعه لوناپارک در مقیاسی وسیع‌تر راه‌اندازی می‌کند که امروزه جزء معدود شهربازی‌های فعال تهران به‌شمار می‌رود و علاوه بر اختصاص فضاهایی مانند کازینو و ... قرار بر این بود که باغ‌وحش تهران در همان سال‌ها به این پارک منتقل شود که این اتفاق در دهه ۷۰ رخ داد و باغ‌وحش تهران از خیابان عاطفی در حوالی پارک ملت تهران به پارک ارم منتقل شد.

او البته درصدد بود فضایی مشابه را در خیابان ستارخان تهران راه‌اندازی کند که نیمه‌کاره ماند و بعدها تبدیل به انبار شد. همچنین چنین فضایی را در امامزاده قاسم تهران پیش‌بینی کرده بود که به مصادره شد.

ازجمله مکان‌های تفریحی تهران می‌توان به شهربازی‌های مسقف اشاره کرد که مجموعه ورزش عبده (که پیش از انقلاب به بولینگ عبده معروف بود و بعدها مصادره شد) سرآمد این مکان‌ها بود.

در دو دهه اخیر، با احداث و توسعه مجموعه‌های تجاری، پاساژها و مال‌ها، طبقاتی به شهربازی‌های مسقف اختصاص داده شد. به این ترتیب که این شکل از مکان‌های تفریحی در بورس قرار گرفت و بر اساس نیاز و دسترسی خانواده‌ها، شهربازی‌ها در مجتمع‌هایی مانند تیراژه، کوروش و... جلوه پیدا کردند و این شکل از مکان‌های تفریحی به‌تدریج در مناطق و محلات مختلف توسعه یافت.

غریبگی با تفریح

کجا برویم؟

سوگل دانایی: کمتر کسی پیدا می‌شود در جواب «کجا برویم برای خوش‌گذرانی و تفریح» پاسخ متفاوت و خلاقانه‌ای در آستین داشته باشد. تنها عامل سن‌وسال، جغرافیای محل سکونت و وضعیت مالی است که می‌تواند اندکی محدوده پاسخ به سؤالات را تغییر دهد. کافه و رستوران، پارک، سینما و تئاتر و موزه و گاهی فضای طبیعی اطراف شهرها و اندک شهربازی‌های استاندارد احتمالا تنها گزینه‌های موجود روی میز برای تفریح باشند. همین پاسخ‌ها یک گزاره احتمالی آشنا در توصیف شهرهای ایرانی به ذهن متبادر می‌کند؛ «شهرهایی که احتمالا با تفریح غریبه‌اند». اما این گزاره چقدر صحیح است؟

ایرانی‌ها حدود چهار ساعت از زمان خود در شبانه‌روز را به گذراندن اوقات فراغت اختصاص می‌دهند. بازدید از مکان‌های فرهنگی، تفریحی و حتی ورزشی، پارک‌ها و ورزش‌های گروهی ازجمله فعالیت‌هایی است که مرکز آمار ایران آنها را در رده تفریحات و گذران اوقات فراغت برشمرده است. بر اساس آخرین آمارگیری که در بازه زمان پاییز سال ۹۸ تا تابستان ۹۹ صورت گرفته است، ایرانیان به طور متوسط در طول شبانه‌روز چهار ساعت و ۱۹ دقیقه تفریح می‌کنند؛ یعنی حدود یک ساعت کمتر از میانگین جهانی.

اما تفریح‌های دور از خانه برای خانواده‌های ایرانی عموما به بازدید از اماکن فرهنگی، تماشای فیلم و تئاتر، کافه‌گردی و پاساژگردی، بازدید از پارک‌های تفریحی و شهربازی ختم می‌شود. تفریحاتی که شهروندان عموما برای استفاده از آنها باید هزینه‌ای بپردازند.

شهربازی‌های ناکافی

بیایید گشت‌وگذارمان را اول از شهربازی آغاز کنیم. مجموعه‌های پرطرفدار میان کودکان که این روزها در کمتر شهری نمونه تازه‌ای از آن را مشاهده می‌کنیم. یکی از علل کمبود آن در کلان‌شهرها را شاید بتوان در حوادثی دانست که هرازچندگاهی در کشور رسانه‌ای می‌شود. هرچند فرایند استاندارد تجهیزات شهربازی در ایران از میانه دهه ۸۰ آغاز شد و سرانجام سال ۸۷ اجرای مصوبات آن اجباری شد، اما حوادث ناگوار در شهربازی‌ها تمام نشدند.

یکی از تلخ‌ترین این اتفاقات مربوط به سال ۹۳ است؛ وقتی دختری جوان به مناسبت جشن فارغ‌التحصیلی‌اش همراه با دوستانش به پارک ارم رفته بود و کابین یکی از دستگاه‌های بازی سقوط کرد و سهم دختر جوان از جشن پایان دانشگاهش، ویلچرنشینی دائمی شد. در سال‌های بعدی دهه ۹۰ حوادث مربوط به شهربازی به شهرهای دیگر ایران نیز سرایت کردند و مثلا در یک نمونه در اردبیل، دو نفر را هم کشتند. مرجان مرتضوی، شهرساز و مبدع اتاق‌های مادر و کودک معتقد است یکی از دلایل کاهش محبوبیت استفاده و احداث شهربازی احتمالا به دلیل حوادث خطرآفرینی باشد که مدام رخ داده است. او می‌گوید نظارت کافی روی فضاهای بازی و شهربازی‌ها وجود ندارد و عموما واحدهای اچ‌اس‌ای در مناطق شهرداری هم کم‌تعداد هستند. او می‌گوید حتی در پارک‌ها و بوستان‌های کوچک هم نظارت کافی وجود ندارد و گاهی تجهیزات یک زمین بازی در یک پارک باعث صدمه به کودکان می‌شود که همین مسئله باعث به خطر افتادن امنیت کودکان می‌شود. او عامل دیگری را که سبب کاهش ساخت شهربازی‌های تازه در کلان‌شهرها شده، کمبود سرمایه‌گذار و پیمانکار در این حوزه می‌داند که آن هم احتمالا ریشه در نگاه حاکم در شهرداری دارد. اما مدتی پیش یک شهرساز در گفت‌وگو با ایمنا ادعا کرد احداث‌نشدن شهربازی‌های تازه در کشور ریشه در نبود مطالبه مردمی در این حوزه دارد. محمدمهدی عابدی گفته بود «هر قدر مال‌ها و فروشگاه‌های بزرگ و باکیفیت و حتی زیباتر از مراکز خرید در کشورهای حاشیه خلیج فارس احداث می‌شود، اما شهربازی وجود ندارد؛ چون مطالبه مردمی برای اولی وجود دارد و برای دومی نه».

کافه‌نشینی و خوش‌نشینی

یکی دیگر از اماکن پرطرفدار تفریحی که به نظر می‌رسد شهرها هم از تکثیر آنها درون خود راضی‌اند، کافه و رستوران است. احتمالا جمله معروف «همه تفریح‌ها به خوردن ختم می‌شود» از زبان جوانان اغلب شهرهای ایران بسیار شنیده شود؛ جمله‌ای که به نظر می‌رسد این روزها بیشتر از قبل هم شایع شده باشد. امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس، زمستان سال ۹۹ و هم‌زمان با عمر یک‌ساله کرونا در ایران به یکی از خبرگزاری‌ها گفته بود: «جوانان حقیقتا هیچ فضای دیگری برای گذران اوقات فراغت‌شان جز بودن در کافه ندارند». او همچنین معتقد بود نزدیک به ۲۸ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاه بی‌کار هستند: «به جای خانه‌نشینی ترجیح می‌دهند وقت‌شان را در کافه بگذرانند». غیر از کافه و رستوران این روزها تب ایجاد خیابان‌های غذا هم مجددا در پایتخت به راه افتاده است؛ مدتی پیش خیابان غذای منطقه ۹ به تبعیت از گذر گردشگری سی‌تیر و باب‌همایون ایجاد شد. خیابان‌هایی که به نظر می‌رسد اول بار در کشورهای آسیایی مانند هند و ترکیه ایجاد شدند و غذاهای آنها تا سال‌های اولیه قرن ۲۱ بیش از دو و نیم میلیارد طرفدار داشت.

شهرهای شاد، مولد تفریح‌اند

بسیاری از کارشناسان اجتماعی، شادی و تفریح در شهر را دو عبارت هم‌سنگ یکدیگر می‌دانند. شهر شاد شاخصی بود که سازمان ملل آن را تدوین کرده و و وضعیت شادی در شهرها را بر اساس وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان رتبه‌بندی می‌کند. سال ۲۰۱۸ ایران در بین ۱۵۶ کشور در جایگاه ۱۰۶ ایستاد. به عقیده یک کارشناس برنامه‌ریزی شهری، یکی از راه‌های ایجاد نشاط و شادی در شهر، گسترش اماکن تفریحی مانند کافه و رستوران و خیابان‌های شاد است. سال ۹۷ پژوهشی با عنوان «راهکارهای طراحی خیابان‌های شهری سرزنده با رویکرد شهر شاد» منتشر شد. نویسندگان آن تأکید داشتند خیابان‌های شاد پذیرای مردم است و مملو است از قلمروهای خصوصی و عمومی و مکان‌های تجمع و پاتوق‌هایی که با جزئیات طراحی و رنگ‌آمیزی شده‌اند؛ اماکنی که نظیر آنها هرچند در سال‌های اخیر دست‌کم در نواحی جنوبی پایتخت ایجاد شده، اما به نظر پرتعداد نیست. در مقاله دیگری با عنوان «پژوهشی در باب عوامل تأثیرگذار در شهر شاد» نیز تأکید شده که سرزندگی، امنیت و پیاده‌مداری، رضایت شهروندان و حضور دواطلبانه آنها در فضاهای شهری ازجمله عوامل تأثیرگذار در ایجاد شهر شاد است؛ عواملی که هیچ‌کدام بی‌ارتباط با تفریح نیستند.

نادیده‌گرفتن معلولان در تفریحات خیابانی

تفریحات خیابانی شهرها عموما معلولان و توان‌یابان جامعه را نادیده می‌گیرد، کمتر شهربازی وجود دارد که مناسب‌سازی شده باشد. مرتضوی تأکید می‌کند: «این روزها اغلب مال‌ها برای ماندگاری خانواده‌ها، فضاهای بازی برای کودکان ایجاد می‌کنند، غافل از اینکه این فضاها برای بچه‌های معمولی است و کاربردی برای کودکان مثلا اوتیسمی ندارد». غیر از کودکان با بیماری‌های شناختی، معلولان جسمی و حرکتی هم شانس زیادی برای تفریح در فضاهای شهری ندارند، نه‌تنها تفریح بلکه حتی امکان تردد آنها در شهر هم قابل قبول نیست؛ چنان‌که معاون معماری اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران سال گذشته به فارس گفته بود تنها حدود ۲.۳ درصد از معابر شهر تهران برای معلولان به طور کامل مناسب‌سازی شده‌اند.

از تفریح‌مان می‌زنیم

اما اگر بخواهیم با عینک اقتصاد به ماجرا نگاه کنیم، همه داده‌های این گزارش دستخوش تغییر می‌شود. مرتضوی می‌گوید تفریح‌کردن در شهر ارتباط مستقیمی با وضعیت اقتصادی خانواده دارد. به نظر می‌رسد تفریحات عموما برای قشر متوسط و بالاتر جامعه طراحی شده‌اند. «اغلب مراکز تفریحی این روزها ورودی دارد. خانواده‌ها اگر در گشت‌وگذار کودکی همراه خود داشته باشند، هزینه‌های خرید غذا و خوراکی هم به هزینه‌های یک روزشان اضافه می‌شود». آمارهای دهه ۹۰ حکایت از سهم کم تفریح در سبد هزینه خانوار دارد. هزینه تفریح و سرگرمی هر سال در سبد هزینه خانوار آب می‌رود. سازمان آمار ایران تأیید می‌کند سهم تفریح و سرگرمی در سال ۹۶ اگر سهم ۲.۸۹درصدی در سبد هزینه خانواده داشته، در سال ۹۷ به ۲.۸۵ درصد کاهش پیدا کرده و در سال ۹۹ ناگهان به ۱.۹۱ درصد رسیده است. این آمار احتمالا بتواند تا حد زیادی مجهولات گزاره اول این گزارش را حل کند. اگر در گذشته ترکیب «دل خوش»، عبارت آشنایی برای تفریح و وقت‌گذرانی بود، امروز احتمالا باید جیب خوش را جایگزین آن کرد.